

کافه خاطره صبا؛ گفت‌وگو با رسول توکلی بازیگر پیشکسوت

اگر ناامید می‌شدیم، «تاراج»



احمد محمد اسماعیلی
گفت‌وگو
پیروزی انقلاب فرصت مغتنمی برای ورود چهره‌های جوان و مستعد و تازه نفس به عرصه‌های هنری بود. یکی از این جوان‌های مستعد و با انگیزه رسول توکلی است که در همنشینی با بزرگانی مثل سعید مطلبی، ایرج قادری، حسین ملکی و... توانست خودش را به عنوان بازیگری اثرگذار در فیلم‌های پر مخاطبی مثل تاراج معرفی کند و سال‌هاست مدیرعامل یک موسسه فرهنگی هنری به نام نقش جهان است. در کارنامه بازیگری توکلی، همکاری با مسعود کیمیایی (در قاتل اهلی)، کیانوش عیاری (شاخ‌گاو)، سیروس مقدم (شکوه بازگشت)، سعید سلطانی (سربال یاور) و... البته زنده یاد ایرج قادری دیده می‌شود. در کافه صبا این شماره با توکلی مرور و بازخوانی چند دهه فعالیت هنری اش در عرصه‌های مختلف داریم.

در حافظه ذهنی هنر دوستان اصفهان با بازیگران طنز شاخص و تراز می‌مثل رضا ارحام‌صدر، وحدت، حسن اکللی شناخته می‌شود. در حالی که شما به لحاظ بازی در نقش‌های جدی و درام شناخته می‌شوید. این تفاوت برایتان چه ویژگی‌هایی دارد؟

من هم با طنز و بازی در تئاترهای کمدی کارم را شروع کردم ولی در سینما شرایط تفاوت داشت.

در اصفهان گروه تئاتری داشتید؟

بله، گروه‌مان از زمان تحصیلم در دبیرستان ادب شکل گرفت و سال‌ها نمایش‌های کمدی روی صحنه اجرا می‌کردیم.

آیا نمایش‌هایی که در تئاتر نصر روی صحنه می‌رفت، از جنس کمدی بداهه بود و یا متنی هم داشت؟

نمایشنامه‌هایی نوشته می‌شد هم کمدی و هم جدی بود و مردم می‌آمدند و از نزدیک بازی بازیگران محبوب‌شان را می‌دیدند.

این نمایش‌ها را چه نام‌هایی کارگردانی می‌کردند؟

نصرت‌الله وحدت، کاظم روشن ضمیر و خیلی‌های دیگر.

نمایش‌های طنزتان مبتنی بر کار بداهه بود؟

بر اساس آموزه‌هایم از استاد رضا ارحام‌صدر دانش تئاتری‌ام شکل گرفت و بعد از آن مدتی به عنوان تهیه‌کننده تئاتر در تلویزیون و نمایش‌های حسن اکللی فعالیت‌م را ادامه دادم.

کارهای نظیر آقای گرفتار و تئاتر در صحنه (در سیما)؟

بله، تئاترهایی که در شبکه ۵ با هنرمندی حسن اکللی ارائه دادیم جزو کارهای قابل‌اعتنای شبکه محسوب می‌شد.

بعد هم قدرت ایزدی این سنت را در شبکه ۵ ادامه داد...

قدرت ایزدی هم کارهای مورد توجه قرار گرفت و بستری مهیا شد تا استعدادهای هنری شهرستان‌ها شکوفا شوند.

از میان هم‌دوره‌های شما در تئاتر اصفهان آیا هنرمند شاخصی هم وجود داشت؟

اغلب دوستان بعداً جذب کارهای دیگری شدند و البته دوستانی مثل آقای طباطبائی کار حرفه‌ای‌شان را ادامه دادند. خود من هم بتدریج از تئاتر فاصله گرفتم.

به چه دلیل این فاصله ایجاد شد؟

آمدن تهران و نتوانستم با گروه فعالیت‌م را ادامه بدهم.

حتماً برای پیشرفت کاری به تهران آمدید؟

سال ۵۵ به تهران آمدم و زندگی‌ام را به تهران منتقل کردم. مدتی در بحث مبارزه با مواد مخدر فعالیت کردم و تلاش کردم به صورت عملی با آن مبارزه کنم.

تجربه‌هایی که در «پنجمین سوار سرنوشت» هم دیده می‌شود؟

پایه‌های کار را سعید مطلبی شروع کرد و من هم در نوشتن متن به ایشان کمک کردم.

زمان نوشتن این متن با ایرج قادری آشنا شدید؟

بله، این ارتباط از زمان نگارش فیلمنامه این فیلم شکل گرفت.

تا آنجایی که یادم است، فیلم «پنجمین سوار سرنوشت» در زمان اکران با چالش‌های زیادی مواجه شد...

برای نمایش این فیلم همین آدم‌هایی که هنوز هم مشابه‌شان در سینما و هنر اعمال نفوذ می‌کنند، سنگ اندازی کردند. آدم‌هایی که نه پیشینه فرهنگی و نه پیشینه هنری دارند، فقط فضول و تنگ نظر هستند. در تئاتر نصر حول و حوش سال ۵۹ هم که مدتی درگیرش بودم و با آقای توبه‌خواه همکاری داشتم خیلی از بزرگان بازیگری سینمای قبل از انقلاب مثل مرتضی عقیلی، میری، وحدت، جهانگیر فروهر، منوچهر وثوق و خیلی‌های دیگر کار می‌کردند.

بهمین مفید هم بود؟

بهمین مفید سال ۵۹ در گیر بازی در فیلم «فریاد مجاهد» نخستین

فیلمنامه‌هایم را با اسم دیگری به کارگردان‌ها می‌داد. اما در نهایت او سه گانه «ستایش» را نوشت که جزو کارهای موفق و پر مخاطب تلویزیون در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است. سعید مطلبی الان وارد ۸۴ سالگی شده است و همه دوست دارند متن‌های او را کار کنند.

در آن دوران میانه‌روهایی مثل محمدعلی نجفی که در منصب مدیریتی بودند نمی‌توانستند کاری انجام بدهند؟

قدرت و توان تندروهای افراسی از امثال نجفی بیشتر بود و نمی‌گذاشتند کاری انجام بدهند. جالب ماجرا این است که از این جنس آدم‌ها هنوز وجود دارد. در آن زمان معادلی خواه وزیر فرهنگ بود و تکلیفش با خودش هم روشن نبود. نمی‌دانستند هنرمند با هوش، قدرت تجزیه و تحلیل شرایط کشورش را در تمام سطوح دارد. فیلم «برزخی‌ها» را مثال می‌زنم که تمام ستاره‌های سینمای قبل از انقلاب به جز وثوقی در آن بازی داشتند. در این فیلم ایرج قادری شاید به نوعی حمله صدام به ایران و آغاز جنگ را پیش‌بینی کرده بود.

آیا در پروژه «برزخی‌ها» با قادری همکاری داشتید؟

نه، چون با هاشم سبویکی یکی از تهیه‌کنندگان فیلم در موسسه شیراز فیلم همکاری می‌کردم، نتوانستم در بخش بازیگری حضور داشته باشم. یادم می‌آید اکبر صادقی در آن دوران دفترش تبدیل به مکانی برای شهرستانی‌هایی شده بود که می‌خواستند فیلم بسازند و به آنها کمک می‌کرد. عباس شباویز هم در دفترش آریانا فیلم مثل دوستان بازیگر بلاتکلیف بود.

خیلی از مدیران هنری گذشته در توجیه اقدامات‌شان می‌گویند با ممنوع‌الکاری هنرمندان قبل از انقلاب فرصت کار به جوان‌ها و خیلی از هنرمندان فعال در تئاتر در دهه پنجاه مثل داربوش فرهنگ، مهدی هاشمی و... رسید. این مسئله را چقدر قبول دارید؟

فیلم سینمایی پس از انقلاب اسلامی بود و اینها آمده بودند تئاتر که تکلیف کارشان مشخص شود که آیا می‌توانند به بازیگری‌شان ادامه بدهند. در آن شرایط تنگ‌نظران که از بودن قدیمی‌ها احساس خطر می‌کردند، جو عجیبی به راه انداختند که ماحصلش ممنوع‌الکاری خیلی‌ها شد. من در حد توانم تلاش کردم از این دوستان حمایت کنم. همه این دوستان در قبال حوادث رخ داده مهوت بودند. البته در آن دوران محمدعلی نجفی اقداماتی انجام می‌داد که کافی نبود.

به عنوان جریان میانه‌تلاش کردید اوضاع را مدیریت کنید؟

بله، جریان میانه‌ای که تلاش می‌کرد شرایط منصفانه‌ای را برای کار کردن قدیمی‌ها فراهم کند. انقلاب شده بود و این هنرمندان با سابقه منتظر دیدن تحولات بودند. در دنیا قاعده این است که هنرمند باید تمام تحولات اجتماعی را در شیوه‌های مختلف هنری برای نسل آینده روایت کند. به هر حال در قبل از انقلاب شرایط سینما طوری بود که در فیلم رقص و آواز وجود داشت و هنرمندان مسببش نبودند، چه بسا اگر در آن شرایط کار نمی‌کردند باید بی‌کار می‌ماندند.

در آن دوران یعنی اواخر دهه پنجاه هنرمندان در شرایط برزخ گونه‌ای بودند؟

بله، برخی از این دوستان تن به مهاجرت دادند. یادم می‌آید با شروع جنگ منوچهر وثوق در تئاتر نصر صندوق کمک به جبهه درست کرده بود و برای بچه‌ها در جنگ کمک مالی جمع می‌کرد. مرتضی عقیلی بعد از بازی در «پنجمین سوار سرنوشت» با چشم‌گریان از ایران رفت و تا پای پله هواپیما امید داشت اجازه بدهند تا او کار کند. غلامرضا سرکوب طرح فیلمنامه‌ای با عنوان «بلال حبشی» را نوشته بود و پرداخت خوبی داشت و کار را ارائه کرد که حجه‌الاسلام محمدعلی زم رییس حوزه هنری وقت با آن مخالفت کرد. به سعید مطلبی که همه به قوت قلمش اذعان دارند در آن دوران اجازه کار نمی‌دادند و مطلبی